

انجمن ولایت بوشهر

نخستین نهاد مشروطه‌خواهی در خلیج فارس

● علیرضا خلیفه‌زاده

چکیده:

مطالبات مردم و مخالفت‌ها با عوامل استبداد، منجر به تصویب «قانون انتخابات» در سال ۱۳۲۴ ه.ق. ۱۲۸۵ خ و آغاز عصر مشروطه گردید. ایران در آن برهه دارای چهار ایالت و حدود ۱۴ ولایت معتبر بود که در آغاز بر اثر شور و هیجان آزادی‌خواهی مردم و طبق قانون، انجمن‌های ایالتی ۱۲ نفره و انجمن‌های ولایتی (محلی) ۶ نفره در سرتاسر کشور تشکیل شد. هر کدام از این انجمن‌ها در روند مشروطه‌خواهی ایرانیان نقشی را به عهده داشته‌اند که بررسی جزء به جزء فعالیت‌های این انجمن‌ها، زمینه‌ی مطالعه‌ی هر چه دقیق‌تر تأثیرگذاری مشروطه و مشروطه‌خواهی در ایران را فراهم می‌کند. طول عمر این انجمن‌ها کوتاه بود. از اواسط سال ۱۲۸۵ خ این انجمن‌های رسمی در ایالات و ولایات به وجود آمدند و تا اواخر سال ۱۲۹۰ همزمان با اتمام حجت روس و انحلال مجلس دوم بساط این نهاد مولود مشروطه نیز برچیده شد. با وجود این که بوشهر مرکز حکومت بنادر و جزایر خلیج فارس و دروازه‌ی تجارت دریایی ایران در دوره‌ی قاجار بوده، اما تحولات این دوره ۶-۵ ساله در بوشهر تا کنون به هیچ عنوان بررسی نشده و همچنان بکر مانده است. در این مختصر تلاش می‌شود، چگونگی تأسیس، اختلافات اعضا، فعالیت‌های آزادی‌خواهانه و چگونگی انحلال انجمن ولایتی بوشهر در دوره‌ی دو ساله (۱۲۸۶-۱۲۸۵ خ) با توجه به اسناد، گزارش‌ها و منابع معاصر آن بررسی شود.

کلیدواژه: انجمن ولایتی، ایران، بنادر، بوشهر، خلیج فارس، مجلس شورای ملی، مشروطه.

مقدمه

اولین واکنش بوشهری‌ها به قانون انتخابات مجلس

نظامنامه‌ی انتخابات در ۲۰ رجب ۱۳۲۴ / ۱۷ شهریور ۱۲۸۵ / ۹ سپتامبر ۱۹۰۶ به امضاء مظفرالدین‌شاه رسید. دو روز بعد نیز شاه به صدراعظم دستور داد تا «برای هر ولایت یک نسخه بفرستند که از آن قرار ترتیب انتخابات و شرایط آن عمل شود.»^۱ طبق این قانون انتخابات، رأی دهندگان مرد بالای ۲۵ سال، به شش طبقه تقسیم شدند (ماده‌ی اول و دوم) و افرادی که حق رأی دادن نداشتند (حکام، معاونین و مستخدمین اداره نظمیه و ضابطیه) (ماده سوم).^۲ طبق ماده ششم، ۶۰ نماینده برای تهران و ۹۶ نفر برای ولایات در نظر گرفته بودند که سهم فارس و بنادر ۱۲ نفر بود.^۳ اگر چه فقط ۸ نفر از فارس به مجلس راه یافتند^۴ و از بنادر نیز در دو دوره‌ی اول و دوم به دلیل کارشکنی‌های حکام و اختلافات درونی اصناف و تجار، هیأت نظار انتخابات و انجمن محلی کسی به مجلس راه نیافت. سهم بوشهر و بنادر در دوره‌ی اول طبق شواهد و اسناد، دو نفر بوده ولی در جایی به سه نفر نیز اشاره شده است. بر اساس این نظام‌نامه قرار بود که «در شهرهای جزو هر ایالتی هر طبقه جداگانه جمع شده یک نفر را انتخاب نموده به کرسی ایالت بفرستند و این گروه منتخب نیز، نماینده‌ی (نماینده‌گانی) برای مجلس شورای ملی از میان خود برگزینند.» (ماده هشتم)^۵ از آنجا که حکومت بنادر و جزایر خلیج فارس از دیلم تا چابهار گسترده بود، بندرعباس یکی از شهرهای عمده‌ی جنوب، حاضر نبود نماینده‌ی آن جزو انجمن ولایتی و حوزه‌ی انتخاباتی بوشهر باشد و حتی از جانب خود انجمن ولایتی جداگانه‌ای تشکیل داد.^۶

انجمن محلی و انجمن ایالتی

طبق ماده‌ی نهم؛ «در هر محلی که انتخابات به عمل می‌آید، انجمنی برای نظارت انتخابات از معاریف طبقات ششگانه‌ی انتخاب کنندگان آن محل (مرکب از شش نفر) و در تحت نظارت موقتی (حاکم) یا (نایب‌الحکومه) همان محل تشکیل خواهد شد از این قرار دو [نوع] انجمن تشکیل می‌شود (انجمن محلی) و (ایالتی) انجمن محلی در شهرهای جزو ایالات و انجمن ایالتی در کرسی ایالت.»^۷

در بوشهر انجمن محلی تشکیل شد ولی با اعتراض برخی گروه‌های رقیب در شهر، مدتی نیز شش تن از تجار و شش تن از روحانیون عضو انجمن بودند که عملاً انجمن محلی بوشهر تبدیل به انجمن ایالتی! شده بود. انجمن‌های

و سایر شهرهای این ایالت [ولایت] پایه‌گذاری نمود. در این جلسه عالی جناب دریابگی به اطلاع حاضران رسانید که مقرر شده است؛ از بنادر جنوب خلیج فارس سه نفر؛ عضو با سالی یک هزار تومان مستمری، انتخاب شوند. افزون بر این دریابگی اعلام داشت که؛ باید هیئت نظار محلی، متشکل از شش نفر از نمایندگان طبقات به وجود آید و هفته‌ای یک بار در ساختمان حکومتی جلسه تشکیل دهد و به دعوی و شکایات محلی بپردازد و افزود که خود او هم وظیفه دارد، هماهنگ با دیدگاه‌های این هیئت شش نفره امور جاری را سامان دهد.

هیئت محلی می‌پنداشت که اقداماتش راجع به تمام مسائل، جای وظایف حکمران را خواهد گرفت، دریابگی هم از این فرصت سود جست، تا عملاً دست به کاری نزند. بنابراین بسیاری از کارهای جاری روزانه به گونه‌ای جدی بلااقدام و انباشته شد و کسی هم مسئولیت آن را نپذیرفت، چنان که گویی بوشهر بدون حکمران است. از سویی دیگر گروهی از روحانیون بوشهر نیز تقاضا داشتند تا علاوه بر تجار، عضو «هیئت نظار مجلس و انتخابات» باشند.^{۱۱} یکی از اعضاء «انجمن آزاد لنگه» پس از انتقاد از «هیاکل استبداد» چگونگی راه‌اندازی انجمن ولایتی را در بوشهر این گونه تحلیل می‌کند:

«حکومت بنادر - احمدخان دریابگی - به موقع احضار به تهران به دو ملاحظه در ماه ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هـ ق [از ۱۲۸۵/۹/۲۶ تا ۱۲۸۵/۱۰/۲۵] در بوشهر تشکیل ناقص انجمن ایالتی [ولایتی] را دادند، اولین دلیل دریابگی ماندن و بستن پا و دست حکومت جدید [سعیدالسلطنه] بود. دومین دلیل برای ارائه‌ی مشروطیت‌طلبی خود نزد مجلس شورا، به عبارت دیگر؛ فریفتن اعضای محترم و کلای محتشم بود.»^{۱۲} بی‌ثباتی و عزل‌پی‌درپی حکومت‌های سیاسی بوشهر، در نخستین سال‌های مشروطه یکی از عواملی بود که در تزلزل و عدم تحکیم و تثبیت پایه‌های مشروطه کمک می‌کرد.

سرانجام در بوشهر نیز جلساتی با حضور عموم مردم و اصناف برگزار شد و به

محلی موظف بودند اسامی انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شدگان هر ولایت را به مجلس شورای ملی بفرستند.^{۱۳} اگر چه منتخبین ملزم به حضور در تهران و مجلس شورای ملی بودند ولی مجلس با حضور نمایندگان تهران (۶۰ نفر) رسمیت می‌یافت. خرج سفر و مقرری سالیانه‌ی نمایندگان نیز که یکی از مشکلات عمده‌ی نمایندگان منتخب بوده به تشخیص و تصویب مجلس واگذار شده بود. (ماده ۱۹ و ۲۰)

چهار روز بعد از اعلان نظام‌نامه انتخابات، در تهران رأی‌گیری آغاز شد. در بوشهر نیز این نظام‌نامه خیلی زود جوانه‌ی امید را رویاند و روز سه‌شنبه ۲۸ رجب ۱۳۲۴/۲۵ شهریور ۱۷/۱۲۸۵ سپتامبر ۱۹۰۶ این تلگراف از بوشهر به تهران ارسال شد:

«حضرت ملاذالانام حجت‌الاسلام آقای حاجی میرزا سید محمد طباطبایی و سایر علمای اعلام دام‌ظلم‌العالی.

به توسط صدارت عظمی، تلگراف دست‌خط مبارک اعلی‌حضرت دام‌ملکه رسید. در خصوص فرمان تشکیل مجلس شورای ملی در طهران و قانون موافق خواهش حضرت‌عالی و سایر آقایان استعلام فرموده اظهار تشکر شد.»^{۱۴} (سلیمان صدرالاسلام)

نخستین حرکت مشروطه در بوشهر

اندکی بعد «نخستین جلسه‌ی رسمی مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۷/۱۲۸۵ شعبان ۱۷/۱۳۲۴ اکتبر ۱۹۰۶ با نطق افتتاحی مظفرالدین‌شاه قاجار... بی‌حضور نمایندگان شهرستان‌ها گشایش یافت.»^{۱۵} زیرا در بسیاری از ولایات انتخابات برگزار نشده بود. در ۲۹ آبان ۱۲۸۵/۲۱ نوامبر ۱۹۰۶/۴ شوال ۱۳۲۴ احمدخان دریابگی - حکمران بوشهر و بنادر - که مرعوب حرکت مشروطه‌خواهی مردم شده بود، در ساختمان حکومتی جلسه‌ای تشکیل داد و شعبات مجلس [هیئت نظارت بر انتخابات] را در بوشهر



قلعه تاریخی بوشهر (عمارت ملک)

طول عمر انجمن‌های ولایتی کوتاه بود. از اواسط سال ۱۲۸۵ خ این انجمن‌های رسمی در ایالات و ولایات به وجود آمدند و تا اواخر سال ۱۲۹۰ همزمان با اتمام حجت روس و انحلال مجلس دوم بساط این نهاد مولود مشروطه نیز برچیده شد

انجمن ولایت

به نحوی به طور عرفی «دستگاه قضایی» مرکز حکومت بنادر در دستشان بود. به همین خاطر روحانیون (صدرالاسلام، امام جمعه و علم‌الهدی) نظر مساعدی نسبت به انجمن محلی نداشتند.^{۳۲} این مخالفت و اعتراض روحانیون سبب شد تا در یابیگی برای حل این مشکل جلسه‌ای با حضور روحانیون در (چهار برج) تشکیل دهد تا روحانیون «یکی را به عنوان عضو انجمن نمایندگان محلی انتخاب کنند اما چون این جلسه به بحث و مجادله پیرامون دشمنی‌های شخصی کشیده شد، لذا حکمران بدون اخذ هیچ نتیجه‌ای آن را منحل کرد.»^{۳۳}

عزل احمد خان در یابیگی

در دی‌ماه ۱۲۸۵ هـ ش در حالی که پیدایش انجمن محلی گامی امیدوار کننده بود برای گسترش مشروطه در جنوب ایران، یک بی‌ثباتی سیاسی باعث شد تا انتخاب نماینده‌ی مجلس را که به آرامش و امنیت احتیاج داشت برای چند ماه دیگر به تعویق اندازد.

در تهران هم زمان با این تحریک‌های ناموفق بوشهریان، معین‌التجار بوشهری نماینده‌ی تهران در مجلس اول تلاش می‌کرد تا از این آب گل‌آلود ماهی بگیرد و پسرش محمدرحیم را بدون رأی‌گیری و ضابطه‌ی قانونی به عنوان نخستین نماینده‌ی بوشهر و بنادر به مجلس ملی معرفی کند. از سویی دیگر دولت که نسبت به فعالیت‌های احمدخان در یابیگی مشکوک بود، تصمیم گرفت تا با برکناری او حاجی میرزا فتح‌الله خان طباطبایی دیبا ملقب به سعیدالسلطنه را که دارای علائق ملکی نیز در حواشی خلیج فارس بود به حکمرانی بنادر بفرستد.

معین‌التجار که با این عزل و نصب، پایگاهش در بوشهر و بنادر و جزایر خلیج فارس اندکی کم‌رنگ‌تر می‌شد به مخالفت با «سعیدالسلطنه» پرداخت، اما «هر چه دست و پا کرد شاید رفتن سعیدالسلطنه را به بنادر موقوف نمایند پیشرفت نکرد، حتی ۱۲ هزار تومان هم داد و نشد. عاقبت کاری که کرد قرار گذاشت تا شب عید [نوروز] در یابیگی به حکومت باقی باشد ولی سعیدالسلطنه از طریق کربلا روانه شد.»^{۳۴}

حاجی سعیدالسلطنه که از خاندانی متنفذ بود، در سال‌های ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ هـ ق که عمویش میرزا اسدالله خان ناظم‌الدوله فرمان‌فرمای فارس بود، نایب حکومت او بود و حاصل این دو سال حکومت آن‌ها در فارس، چنگ انداختن بر بخشی از اراضی کشاورزی در ناحیه لیراوی و دشمن‌زباری (کهگیلویه) بود.^{۳۵}

دلایل عزل در یابیگی

حاکم دشتستان یوسف مغیث‌السلطنه در نامه‌ای که برای نظام‌السلطنه

منظور انتخاب وکلای مجلس از حوزه‌ی بوشهر و بنادر؛ «مجلس نظار بوشهر» معین شد. ریاست این مجلس را حاجی عبدالرسول تاجر بوشهری به عهده داشت، آن‌ها تلگرافی به مجلس ملی فرستادند و درخواست «دستورالعمل» کردند؛ که مجلس نیز پاسخ داد: «کتابچه دستورالعمل انجمن‌های ولایات را مشغول نوشتن هستند و پس از اتمام می‌فرستند.»^{۳۶} این قانون در ۸ خرداد ۱۲۸۶ / جمادی ۱۳۲۵ / ژوئن ۱۹۰۷ به تصویب مجلس رسید.^{۳۷}

چگونگی تشکیل مجلس نظار بوشهر

به دنبال پیشنهاد (بانک ملی) توسط معین‌التجار بوشهری نماینده تجار تهران در مجلس اول،^{۳۸} در بوشهر نیز به منظور اشتراک با بانک ملی جلسات مختلفی برگزار شد.^{۳۹} در ۱۱ آذر ۱۲۸۵ هـ ش / ۱۶ شوال ۱۳۲۴ هـ ق به همین منظور جلسه‌ای در منزل در یابیگی حکمران بنادر تشکیل شد و از سوی تجار ۱۸۲/۵۰۰ ریال جمع‌آوری شد.^{۴۰}

علاوه بر حاج عبدالرسول تاجر بوشهری که متعهد شد تا افراد متمول بوشهری را تشویق به کمک به صندوق کند،^{۴۱} حاجی سید محمدرضا کازرونی، نیز پیش قدم شد و خود را در جرگه‌ی مؤسسين درآورد و نزدیک به ۲۵۰۰۰ تومان پول جمع شد. جلسات پیاپی برای کمک به تأسیس بانک ملی، که در بوشهر برگزار شد، «نتیجه مجالس گذشته این بوده که به عقیده جمعی؛ چند نفر برای (مجلس نظار بوشهر) منتخب شد.»^{۴۲} در نخستین اقدام، «مجلس نظار بوشهر، تلگرافی در خواستن (دستورالعمل) به دارالشورای ملی، مخابره شد و جوابی از مجلس محترم به جناب حاجی عبدالرسول تاجر بوشهری [رئیس مجلس نظار] رسیده و مبنی بر این بوده که؛ کتابچه دستورالعمل انجمن‌های ولایات را مشغول نوشتن هستند و پس از اتمام می‌فرستند.»^{۴۳}

«مجلس نظار» یا نخستین هسته‌ی «انجمن محلی» در بوشهر در آغاز متشکل از تجار و روحانیون بود، نخستین جلسه‌ی انجمن محلی بوشهر در ۱۹ دیماه ۱۲۸۵ هـ ش / ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هـ ق با اطلاع در یابیگی حکمران بوشهر در چهار برج (عمارت حکمران) تشکیل شد. در این انجمن چهار طبقه ملاکان، ملاحان، اصناف و اعیان نماینده‌ی نداشتند، و مسئولیت آن به عهده‌ی حاج عبدالرسول تاجر بوشهری بود.

به جای بررسی این موضوع که چگونه فردی برای نمایندگی مجلس ملی انتخاب شود، در این جلسه چند مسئله «قضایی» بررسی و به دادگاه شریعت (روحانیون) احاله شد.^{۴۴} اما واگذاری «حل اختلاف» و «دعای» به انجمن محلی باعث نارضایتی روحانیونی شد که در بوشهر محل مراجعه مردم بودند و

فرستاده چنین می‌نویسد: «جمعی را عقیده بر این است که به خصوص سعیدالسلطنه را به بنادر فرستاده‌اند که گزارش صحیح از دخل و فایده‌ی جزایر و میناب بدهد.»^{۶۲}

این موضوع نشان می‌دهد که احمدخان دریابیگی گزارش‌هایی به دروغ از درآمد حکومت بنادر به تهران فرستاده است، موضوعی که حتی در سال‌ها پیش در هنگام لشکرکشی به بندر لنگه (۱۳۱۷ هـ.ق) نیز مرتکب شده بود و...^{۶۳} حبل‌المتین راجع به عزل دریابیگی می‌نویسد:

«به هر اندازه که مقدر و میسر بود، در تخریب اخلاق ملت و انهدام بنیان مملکت کوشید... باز معزول شد...»^{۶۴}

سید سلیمان صدرالاسلام به حمایت از دریابیگی تلگرافی برای صدراعظم به تهران فرستاد^{۶۵} که البته این اقدام باعث شد که دیگر روحانیون علیه صدرالاسلام ائتلافی تشکیل دهند.^{۶۶} احمدخان دریابیگی که از عزل خود ناراضی بود، با دسیسه‌چینی به مجلس ملی روی آورد. او با انجام اقداماتی مانند درج عملکردش در روزنامه، ارسال تلگراف به مجلس و اعلام آغاز به کار موفقیت‌آمیز بانک ملی در بوشهر اعتماد مجلس را به دست آورد.

او از عدم تلاشش برای انتخاب نماینده‌ی مجلس چیزی نگفت در حالی که برخی از نشریات او را متهم به کارشکنی در عدم انتخاب نماینده‌ی مجلس ملی می‌کردند.

خبر عزل دریابیگی باعث شد که طوایف اطراف بوشهر از پرداخت مطالبات مالیاتی سرپیچی کنند و او در رأس نیروی کوچکی به منظور جمع‌آوری مطالبات معوقه به اطراف رفت.

دریابیگی تلاش کرد تا از تقابل دولت و مجلس به نفع خود استفاده کند و این نشان‌گر این است که در آن برهه‌ی تاریخی ایرانیان، «مجلس» را مظهر (اراده‌ی مردم) و (آزادی خواهی) می‌دانسته‌اند و «دولت» را به نحوی مظهر (استبداد).

دریابیگی از ۱۲ نفر از تجار عمده‌ی بوشهر (از جمله حاج عبدالرسول تاجر بوشهر و محمدشفیع کازرونی) خواست تا در جلسه‌ی (انجمن محلی) شرکت کنند و از اقدامات شجاعانه‌اش به ویژه تشکیل انجمن محلی، ستایش کنند و بگویند که سعیدالسلطنه فرد پیشنهاد شده «دولت» است و «مردم بوشهر» خواستار فردی هستند که پیشنهاد شده‌ی «مجلس ملی» باشد و آن‌ها کسی را که دولت فرستاده باشد از پذیرفتنش امتناع می‌ورزند.

سعیدالسلطنه (۱۳۴۵ - ۱۲۸۸ هـ.ق) از راه بصره و پس از دیدار با شیخ خزعل و شیخ مبارک حکمران کویت که به مناسبت (جشن عیش) در محمره (خرمشهر) حضور داشت، ظهر سه‌شنبه ۲۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۴ هـ.ق / ۱۶ بهمن ۱۲۸۵ هـ.ش با کشتی مظفری وارد بندر بوشهر شد^{۶۷} و دوره‌ی حکومتش تا سوم مرداد ۱۲۸۶ / ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ هـ.ق ادامه یافت.

اختلاف در انجمن محلی

دریابیگی اگرچه می‌دانست عزل شده است و حاکم جدید در راه است، با این وجود برای این که چهره‌ای مشروطه‌خواه از خود نشان دهد، تلاش کرد تا میان صدرالاسلام و امام جمعه [شیخ محمد آل‌عصفور] آشتی برقرار کند و آن‌ها را در انجمن محلی منصوب کند، این موضوع با مخالفت سید مرتضی علم‌الهدی رو به رو شد.^{۶۸}

علم‌الهدی از روز تأسیس انجمن همواره ابراز مخالفت با منتخبین و... کرده

بود، این بار نیز در جلسه‌ای در ۸ بهمن ۱۲۸۵ در منزل حاج عبدالرسول رئیس انجمن و با حضور دریابیگی برگزار شده بود، طی پیامی پرسیده بود که: «آیا این جلسه برای تعیین نماینده‌ی روحانیون است؟» و به محض اطلاع از این که «اساسنامه‌ی انجمن» تکمیل شده است، خود و هم‌فکرانش، تلگراف اعتراض نسبت به عملکرد مسئولین محلی به مجلس ملی در تهران فرستادند.^{۶۹}

بعد از این جلسه، هواداران علم‌الهدی، تهدید کردند اگر از این پس جلسات انجمن محلی در منزل حاج عبدالرسول برگزار شود به قتل می‌رسد. دلیل آن‌ها این بود که: «اساسنامه‌ی انجمن محلی نامتعارف است و «مردم» که از آزادی رأی دادن محرومند آن را به رسمیت نخواهند شناخت.»

در پی این تهدید دو روز بعد (۱۲۸۵/۱۱/۱۰) انجمن محلی در منزل صدراعظم و با حضور کارگزار وزارت امور خارجه برگزار شد. کارگزار پس از دریابیگی به مدت چند روز تا حضور سعیدالسلطنه؛ سرپرستی حکمرانی بنادر را به عهده داشت، آن‌ها نامه‌ی شدیدالحنی برای سید مرتضی علم‌الهدی فرستادند ولی سید مرتضی از حمایت «پیروان تنگستانی‌اش» برخوردار بود در برابر این مکاتبات حاضر نبود کوتاه بیاید.^{۷۰}

این اختلافات پس از حضور سعیدالسلطنه همچنان ادامه یافت. حاج عبدالرسول رئیس انجمن محلی قادر به پایان دادن به اختلافات صدرالاسلام و امام جمعه‌ی دو عضو معترض انجمن نبود، چون آن‌ها سنشان بیش از هفتاد سال بود و طبق قانون نمی‌توانستند عضو انجمن باشند و حتی حاضر به معرفی دو نماینده از طرف خود نیز نبودند. علم‌الهدی که واجدالشرایط بود، نیز در بوشهر از اقبال عمومی برخوردار نبود.^{۷۱}

انجمن محلی روز به روز از وظیفه‌ی اصلی‌اش که تعیین نماینده‌ی مجلس ملی بود، فاصله می‌گرفت و سرگرم پرداختن به شکایات مردمی، دعاوی قضایی، امور نظافت و روشنایی معابر شهر و رسیدگی به تخلفات کشتارگاهی بود!^{۷۲}

در بوشهر اختلافات روز به روز شدیدتر می‌شد تا آن جا که حاج سید محمدرضا کازرونی با تباری سردبیر روزنامه‌ی مظفری علیه رقیبش حاج عبدالرسول - نماینده‌ی تجار و نماینده‌ی بانک ملی - توطئه‌ای چید که این موضوع باعث کنک‌کاری سردبیر مظفری توسط هواداران صدرالاسلام و تملیق مظفری شد و سردبیر مظنون توسط کلانتر شهر بازداشت شد.^{۷۳} در دوازدهم اسفند ۱۲۸۵ جلسه‌ی انجمن با حضور حکمران و کلانتر بوشهر برگزار شد. سعیدالسلطنه خطاب به کلانتر بوشهر تهدید کرد که اگر از این پس شعار نوشته‌ای در بوشهر مشاهده شود، او را جریمه خواهد کرد و علم‌الهدی که به تازگی به عضویت انجمن محلی پذیرفته شده بود در این جلسه از حکمران تقاضا کرد سردبیر نشریه‌ی مظفری را عفو کند که او نپذیرفت.^{۷۴}

از آن جا که کوچک‌ترین اتفاقات بوشهر توسط گروه‌های رقیب به مجلس ملی گزارش می‌شد، مجلس نیز طی تلگرافی خواهان آزادی سردبیر روزنامه‌ی مظفری شد که این فشارها و در نهایت پادرمیانی علم‌الهدی و معذرت خواهی سردبیر مظفری (لیبی‌الممالک) از صدرالاسلام، با حکم حکمران آزد شد.^{۷۵}

شب‌نامه‌ها

به دنبال تهدید کلانتر بوشهر نسبت به برخورد جدی با شعار نوشته‌ها و بازداشت چند روزه‌ی سردبیر مظفری که گویا به انتقاد از روحانی مسن شهر؛ صدرالاسلام پرداخته بود اعتراض‌های سیاسی، رنگ و رویی دیگر به خود

گرفت و شب‌نامه‌هایی علیه حاج عبدالرسول رئیس انجمن محلی در منازل پخش شد.^{۴۳}

در اواخر سال ۱۲۸۵ خ ۶ علی‌رغم این که شش ماه از تأسیس مجلس شورای ملی و سه ماه از تشکیل انجمن محلی در بوشهر می‌گذشت، همچنان بازار بحث‌های بی‌فایده داغ بود و علم‌الهدی نیز با وجود این که به عضویت انجمن محلی پذیرفته شده بود؛ ولی به اساسنامه داخلی اعتراض داشت و بر اعتراض خود اصرار می‌ورزید. ناگفته نماند که اساسنامه انجمن‌های ولایتی (محلی) و ایالتی هشتم خرداد ۱۲۸۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.^{۴۴} بعد از جر و بحث‌های چند ماهه برای انتخاب نماینده روحانیون، با حمایت پنهانی سعیدالسلطنه حکمران بنادر، علم‌الهدی به عنوان نماینده روحانیون در انجمن محلی پذیرفته شد. تلاش برای رهایی انجمن از سیطره‌ی تجار ادامه یافت و بالاخره حکمران نیز پذیرفت که دو طبقه ملاکان و فلاحان (کشاورزان) نیز دو نماینده برای انجمن محلی انتخاب کنند و این موضوع در ۲۳ اسفند ۱۲۸۵ به صورت اعلامیه‌ای در بوشهر منتشر شد.^{۴۵} اما صدور این اعلامیه نیز درمان و پایان ماجرا نبود. اعتراض‌های علم‌الهدی به اساسنامه هم چنان ادامه داشت، و حکمران که از بگومگوهای بی‌ثمر سردرگم شده بود، به راه حل غیرقانونی کردن نهاد و پذیرفت که انجمن ولایتی بوشهر به مانند انجمن‌های ایالتی دوازده نفره باشد و شش نفر دیگر بنا به پیشنهاد و معرفی علم‌الهدی در انجمن محلی گماشته شوند.

اما سعیدالسلطنه که می‌دانست دیر یا زود این تخلف از قانون و تسلیم شدن به درخواست غیرقانونی علم‌الهدی با تلگراف توسط مخالفان و منتقدان به اطلاع «دارالشورای ملی» خواهد رسید، و موقعیت سیاسی‌اش را متزلزل خواهد کرد، ناچار به منظور سازش میان روحانیون، آن‌ها را در روز چهارم فروردین ۱۲۸۶ به صرف نهار دعوت کرد و با اشاره به این که نسبت به شش نفر اعضای اضافی اعتراض‌هایی صورت گرفته، خواهان پس گرفتن این درخواست علم‌الهدی شد.^{۴۶}

به نظر می‌رسد به نتیجه نرسیدن این درخواست باعث شد که حکمران تشکیل جلسات انجمن را تا اطلاع ثانوی به تعلیق درآورد و این موضوع را به اطلاع مجلس ملی نیز رساند.^{۴۷} تعطیلی جلسات انجمن محلی باعث شد تا اساس‌نامه توسط اعضای انجمن مورد بازنگری قرار گیرد و شش نفر اضافی - تحمیلی - حذف گردند. اما حکمران روی خوش به آن‌ها نشان نداد و همچنان بر تعلیق جلسات انجمن اصرار می‌ورزید، تا این که دو روحانی رقیب صدرالاسلام و علم‌الهدی پذیرفتند که از انجمن محلی کناره‌گیری کنند و افرادی دیگر را به جای خویش معرفی نمایند.^{۴۸} که هر دو، برادران خود را معرفی کردند.

پس از گذشت یک‌ماه از تعطیلی جلسات انجمن محلی، ۲۸ فروردین ۱۲۸۶ در عمارت حکومتی (چهار برج) با حضور حکمران و اعضای انجمن محلی و سایر افراد ذریبط (اعم از روحانیون و تجار) جلسه‌ای برگزار شد. در پی فشارهای تهران به حکمران و درخواست اعزام نماینده‌ای از طرف اهالی بوشهر به مجلس شورای ملی موضوع انتخاب نماینده در اولویت قرار گرفت.

در این جلسه‌ی ۱۸ نفره سید عبدالرضا حکیم به عنوان نماینده‌ی مجلس شورای ملی انتخاب شد.^{۴۹} که چون سید عبدالرضا از حامیان معین‌التجار بوشهری بود این انتخاب برای سعیدالسلطنه بسیار خوش‌آیند نبود. به همین خاطر هم سیر حوادث آینده نشان می‌دهد که حکمران برای اعزام نماینده به

تهران همکاری خاصی نکرد و رفتار سید عبدالرضا نیز نشان می‌دهد که زیاد هم راضی به عزیمت و اقامت در تهران نبوده است!

در اوایل اردیبهشت ۱۲۸۶ / اواخر آوریل ۱۹۰۷ / اواسط ربیع‌الاول ۱۳۲۵ حاج عبدالرسول تاجر بوشهری و رئیس انجمن محلی برابر فرمان همایونی به عنوان «رئیس‌التجار» بوشهر ملقب شد. روحانیون مخالف او بلافاصله جلسه‌ای تشکیل دادند و اعلام کردند که چون «حاجی» مطیع و گوش به فرمان «دولت» شده است، لذا آن‌ها نمی‌توانند او را به عنوان «رئیس انجمن محلی» به رسمیت بشناسند.^{۵۰} این رخداد به مانند واکنش مردم در مخالفت با انتخاب «سعیدالسلطنه» به عنوان حکمران، نشان می‌دهد که در بوشهر تفکر تقابل دولت و مجلس یا (حکومت و مردم) پیرنگ بوده و مخالفان به هر بهانه‌ای آن را علم می‌کرده‌اند و به عنوان حربه‌ای برای سرکوب فرد مقابل و به کرسی نشاندن نظر خود استفاده می‌برده‌اند.

انجمن محلی همچنان با بیش از ۶ نفر تشکیل جلسه می‌داد، زیرا روحانیون به یک نفر نماینده قانع نبودند، و سه نفر به نمایندگی از امام جمعه، صدرالاسلام و علم‌الهدی همچنان در جلسات انجمن حضور داشتند، در شب ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۶ شب‌نامه‌ای علیه آن دسته از اعضای انجمن محلی که توسط مردم انتخاب نشده‌اند، بلکه خود را به زور به انجمن تحمیل کرده‌اند، بدون امضاء در خانه‌ها انداخته شد. که به نظر می‌رسد از طرف هواداران علم‌الهدی علیه امام جمعه [شیخ محمد آل عصفور] انتشار یافته بود، به همین خاطر دو روز بعد در یک قهوه‌خانه اعلامیه‌ای اهانت‌آمیز علیه علم‌الهدی و هوادارانش توزیع گردید. حدس زده می‌شود این اعلامیه توسط هواداران امام جمعه به عنوان واکنش علیه عملکردهای مخالفانش صادر شده باشد.^{۵۱}

با بالا گرفتن این اختلاف‌ها، با وجودی که حکمران ابراز داشته بود دیگر در جلسات انجمن شرکت نخواهد کرد مع‌الوصف در انجمن حضور یافت، که حضورش به ایجاد تشنج انجامید و بنا به درخواست سید مرتضی اهرمی، حکمران مقرر نمود، که در آینده، حضور نمایندگان اصناف (میرزا علی کازرونی، حاجی محمدتقی و عبدالرسول) در جلسات انجمن ضروری نیست. پیامد این دستور این بود که در روز بعد (۱۲۸۶/۲/۱۸ خ) جلسه‌ای جداگانه در منزل صدرالاسلام تشکیل شد که تعداد زیادی از جاشوان، ناخدایان، نمایندگان اصناف و بعضی از تجار در آن حضور یافتند.

حاضران در جلسه، سوگند خوردند که حتی تا پای مرگ بر استقلال انجمن تأکید ورزند. در این جلسه آشکارا به حکمران دشنام داده شد و جاشوان تهدید کردند که اگر حکمران بخواهد نمایندگان را به سکوت وا دارد و آن‌ها را از حضور در جلسات انجمن محروم سازد، به عنوان اعتراض دست به اعتصاب زده و از تخلیه و بارگیری شناورها خودداری خواهند کرد.^{۵۲} نتیجه‌ی این اعتراض‌ها این شد که حکمران روز سی‌ام اردیبهشت ۱۲۸۶ هـ ش را برای برگزاری دور جدید انتخابات انجمن محلی اعلام کرد. اما در این روز غیر از علم‌الهدی و هوادارانش هیچ کسی حضور نیافت و انتخابات صورت نگرفت. ولی در جلسه‌ی بعد، عصر آن روز از سوی بازرگانان سه نفر از اعضای انجمن محلی به نام‌های حاجی عبدالرسول رئیس‌التجار، سید محمد رضا کازرونی و حاج محمد شفیع کازرونی برگزیده شدند.^{۵۳} اما این انتخابات نیز باعث محکم شدن پیوند انجمن محلی بوشهر نشد و به دنبال ادامه یافتن مشاجره‌ها و ابراز نارضایتی عامه و یکی - دو اتفاق و رویداد دیگر؛ انجمن محلی بوشهر نیز در نتیجه برای چند هفته تعطیل (احلال موقت) شد.^{۵۴}

دریابییگی به طور محرمانه علیه انجمن دست به کار شد و هدف او انحلال انجمن بود، زیرا می‌دید با قدرت گرفتن انجمن، رقیبی جدی برای او پیدا شده، زیرا انجمن پناه گاهی برای افراد معترض شده بود

افتضاح اعیان و بزرگان و قوت اشراک شد... ناچار شروع به موعظت و نصیحت کردیم... نصایح بی‌غرضانه‌ی ما در محضر آقایان محترم پذیرفته شد تا یک اندازه ترک نفاق گفتند و شروع به اتفاق کردند، انجمنی به اسم «اتحادیه» تشکیل دادند...»^{۸۵}

همه‌ی این اقدامات باعث شد که بوشهری‌ها در روزهای اول تیرماه شاهد برگزاری مجدد انتخابات محلی باشند. البته براساس قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی که در خردادماه در مجلس به تصویب رسیده بود. روز چهارم تیرماه ۱۲۸۶ تجار دو نماینده‌ی خود حاج عبدالرسول و حاج محمدشفیع را از طریق رأی‌گیری انتخاب کردند.^{۸۶} روز سیزدهم تیرماه میرزا علی کازرونی به اتفاق آراء توسط اصناف خرده‌فروشان، بزازان و تعداد زیادی از بقالان انتخاب گردید. حاج سید محمدرضا به دلیل این که یک نفر نمی‌تواند نماینده بیش از یک صنف باشد طبق معمول نسبت به این انتخاب اعتراض کرد که در نتیجه موضوع به حال تعلیق در آمد.^{۸۷}

جشن نخستین سالگرد مشروطه در بوشهر

«در انجمن محترم اتحادیه من باب جشن و چراغانی شب ۱۴ [جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ هـ ق مطابق با دوم مرداد ۱۲۸۶ هـ ش] که جشن اول سال تأسیس دولت عادلانه مشروطه و تشکیل شورای کبرای ملی است، گفتگو به میان آمد و آقایان به کمال رضا و رغبت، اول مرتبه خود اقدام به تزئین منازل و تجارت‌خانه‌های محترم خود کرده، سپس به اهل بازار خبر دادند که بازارها و تمام دکاکین را آذین‌بندی نموده و دو - سه شب چراغانی نمایند... عموم اهالی به یک شوق طبیعی و به کمال عجله از دیروز [یکم مرداد] اسباب مکمل بسیار باشکوهی تدارک نموده و از دیشب مشغول چراغانی شدند... عموم اهالی و کسبه‌ی بازار خاصه آقایان تجار در منازل خود بذل چایی و شربت و شیرینی می‌نمایند و عموماً به هم تهنیت و مبارک‌باد می‌گویند... در دارالحکومه مجلس سلام منعقد است و شلیک توپ از دریا و خشکی متواتر...»^{۱۶}

دو روز بعد جمعه چهارم مرداد ۱۲۸۶ هـ ق / ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ هـ ق «جلسی مرکب از تمام اهالی در دارالحکومه منعقد گردید و شش نفر از آقایان مشروحه‌الاسامی ذیل به اکثریت آراء به نظارت انتخابیه و کلا منتخب و مقرر شدند:

جناب آقا سید عبدالرضا حافظ‌الصحه‌ی بنادر، جناب حاجی سید محمدرضا تاجر کازرونی، جناب محمدشفیع تاجر کازرونی، جناب حاجی غلامحسین تاجر کازرونی، جناب حاجی محمدحسن تاجر بوشهری، جناب آقا میرزاعلی کازرونی.»

رویدادهایی که باعث این تعطیلی شد یکی استعفای حاجی عبدالرسول نماینده‌ی منتخب جامعه تجار - در انجمن محلی -^{۲۵} و دیگری احضار علم‌الهدی به تهران بود. سید مرتضی اهرمی بعد از ظهر ۱۳ خرداد ۱۲۸۶ بوشهر را به مقصد تهران پایتخت ترک کرد و حکمران که به شدت از او حمایت می‌کرد مبلغ صد تومان بابت هزینه‌ی سفرش پرداخت.^{۳۵} این در حالی بود که به خاطر عدم پرداخت «هزینه سفر» به نماینده‌ی منتخب (سید عبدالرضا طبیب)، بوشهر همچنان بدون نماینده مانده بود.

حکمران که می‌خواست اعتراض‌های احتمالی ناشی از تعطیلی انجمن محلی را بخواباند، طی جلسه‌ای با بازرگانان تأکید کرد که از این پس هر هفته جلسه‌ای با آن‌ها به منظور تبادل نظر راجع به امور بازرگانی خواهد داشت.^{۴۵} اما اوضاع اجتماعی بندر بوشهر روز به روز وخیم‌تر می‌شد و در غیاب انجمن محلی؛ توزیع اعلامیه‌های توهین‌آمیز بدون امضاء توسط دار و دسته‌های محلی رقیب رو به افزایش گذاشت و علت اصلی آن ضعف حکمرانی سعیدالسلطنه بود که برای سرکوبی آن گامی کارساز بر نمی‌داشت.^{۵۵} در ۲۹ خرداد ۱۲۸۶ کارگزار جدید - وزارت خارجه - مسعودالسلطنه جلسه‌ای را به منظور اختلاف‌های میان تجار برگزار کرد. در این جلسه در مورد بازسازی انجمن محلی بحث و تبادل نظر شد، اما حاج میرزا غلامحسین کازرونی - نماینده‌ی تجارت‌خانه‌ی تایمز زروار و شرکاء و ارباب جمشید - یک مرتبه با شاخ گاو در افتاد و گفت: تا زمانی که حاج عبدالرسول و حاج سید محمدرضا کازرونی با هم خصومت می‌ورزند، انتخاب اعضای انجمن محلی و ایجاد وحدت امکان پذیر نیست، این امر موجب شد تا دو تاجر نامبرده علیه یکدیگر زبان به شکوه و شکایت باز کنند و در نتیجه تا حدودی، انگیزه‌ی خصومت بین آن‌ها برطرف گردد.

سپس برای تشکیل «انجمن اتحادیه تجار» شامل ۱۲ نفر عضو، تصمیم‌گیری شد تا این انجمن چگونگی برگزاری انتخابات انجمن محلی را به عهده گیرد و مقرر شد روز بعد در منزل حاج محمدشفیع کازرونی از اعضای انجمن اتحادیه تجار گرد هم آیند. در حالی که فضا برای برپایی دوباره انجمن محلی در بوشهر مهیا می‌شد، حاج عبدالرسول نیز به منظور حمایت از پیشرفت این موضوع، از ادعای خود به عنوان ریاست انجمن - که در انتخابات گذشته برگزیده شده بود - تصمیم گرفت چشم‌پوشی کند.^{۶۵}

مدیر روزنامه‌ی مظفری در نقد این اوضاع می‌نویسد: «تا این دم، محض بعضی اختلافات فی‌مابین چند نفر از آقایان، نه عمل انتخابات [انتخابات انجمن محلی] به وضعی صحیح صورت گرفت و نه وکیل تهران^{۷۵} معین شد و نه انجمن محلی دایر گردید و محض همان اختلافات... بود که ما هم به کلی قلم از بوشهر برداشتیم تا این آخری دیدیم سکوت ما مزید به علت و باعث ازدیاد

با وجود موانع در راه مشروطه در بوشهر و حتی بندر لنگه و بندر عباس، اختلاف نظرها هرگز به طور جدی، آن گونه که در سایر شهرهای ایران چون کرمانشاه و کرمان همگان شاهد بودند، با خون و خونریزی همراه نبود

انجمن ولایت

می کرد تا با مدح دریایی چتر امنیت را بر سر خود بگستراند، او در گزارشی مبسوط که بوی جانب‌داری از حکمران جدید در آن می آید - تلاش احمدخان دریایی را برای راه‌اندازی مجدد انجمن محلی و انتخاب و کلای مجلس ملی این گونه شرح می دهد:

«جناب دریایی حکمران، لدی‌الورد بنای تشویق و ترغیب گذاشتند و نهایت جهد خود را مرعی داشتند که برای تشکیل (مجلس محلی) و (انتخاب و کلا) رفع اختلاف از فی‌مابین بعضی بنمایند. و نظار هم با کمال کوشش مشغول انجام کار شدند، ولی رفع اختلافات فی‌مابین بعضی از علما و تجار کار کوچکی نبود و این به سهولت صورت پذیر نبود.

تا پیش از ماه رمضان [۱۳۲۵ هـ ق/ ۱۲۸۶ هـ ش] هر روز عایقی پیش آمده و مانعی روی داد که تمام اقدامات (شخص حکمران) و (هیئت نظار) بلائمر ماند.»^{۴۴}

عزل و نصب‌های حکمران بنادر، اختلافات داخلی میان طبقه تجار و طبقه علماء خود به اندازه‌ی کافی بر روند مشروطه‌طلبی در بوشهر ضربه وارد می کرد با همه‌ی این اوصاف در این بحبوحه؛ دریایی «وقوع برخی اختلافات» را در بندر لنگه بهانه کرد و از اول تا آخر ماه رمضان [۱۵ مهر تا ۱۴ آبان ۱۲۸۶] به آن بندر عزیمت نمودند. که در این مدت یک ماهه نیز اسباب مشروطه‌خواهی تعطیل شد و انتخاب و کلای انجمن محلی و مجلس ملی به تعویق افتاد و پس از بازگشت از بندر لنگه، با «مجاهدت شخص دریایی امیرتومان و مراقبت‌نامه هیئت نظار بی‌غرض، عمل انتخاب و کلای (انجمن محلی) از روی کمال صحت و بی‌غرضی از ۱۸ تا ۲۲ آبان ۱۲۸۶ به شرح ذیل انجام گرفت:

روز دوشنبه چهارم شوال ۱۳۲۵ هـ ق/ ۱۸ آبان ۱۲۸۶ هـ ش میرزا علی تاجر کازرونی به وکالت (اصناف) منتخب شد. روز سه‌شنبه پنجم شوال، طبقه (اعیان و اشراف) به کثرت آراء حاج سید محمدرضا صاحب تاجر کازرونی را به وکالت برگزیدند. همان روز حضرات (ملاکین) به کثرت آراء میرزا غلامحسین صاحب تاجر کازرونی را به وکالت خود منتخب کردند که او این مسئولیت را نپذیرفت و شیخ ناصرخان چاه‌کوتاهی به کثرت آراء به وکالت ملاکین منتخب شدند. روز چهارشنبه (طبقه ملاحان و اهل دریا و انبارداران) به کثرت آراء حاجی عبدالرضا فرزند حاجی محمدقنبر را به وکالت خود برگزیدند. روز پنجشنبه حاجی عبدالرسول صاحب رئیس تجار به کثرت آراء به وکالت (تجار) منتخب شدند. «روز جمعه هشتم [شوال] که راجع به عمل سلسله‌ی جلیله (علماء و طلاب و اهل منبر) بود، روزی بود که شب آن چشم وطن‌خواهان بی‌غرض به خواب نرفت... در این روز هم جناب آقای شیخ علی مجتهددشتی

در حالی که زمینه‌ی برگزاری انتخابات آماده می شد، در همان روز «تلگراف عزل حاج سعیدالسلطنه و نصب جناب آقای دریایی در مجلس قرائت شد و دو روز بعد از آن هم حاجی سعیدالسلطنه [به طرف لبرای و شیراز] حرکت کردند و این عزل و نصب سبب شد که هیئت نظار ششگانه تا روز موعود جناب امیرتومان [احمدخان دریایی] که ۱۳ رجب [۳۰ مرداد ۱۲۸۶] می بود بالاتکلیف ماندند...»^{۴۵} با گذشت یک سال از استقرار مشروطه و در حالی که داشت، هیئت نظار ششگانه انتخابات سر و سامان می گرفت، بار دیگر عزل حاکم بوشهر در انتخاب نماینده اختلال ایجاد کرد. دوره ۷ ماهه حکومت سعیدالسلطنه را یکی از آگاهان محلی در گرماگرم تحرکات مشروطه‌خواهی این چنین تحلیل کرده است:

«بعد از ورود حکومت جدید [حاجی سعیدالسلطنه] آن چه مفهوم اولی‌الالباب آمد بختا در بوشهر ناپره نفاق بلند، افراد ناس از علماء عظام و تجار و اعیان کرام و غیره به جان هم افتادند، و انجمن بدون پایه و تعبیر مایه‌ی بوشهر در حجاب تعطیل افتاد و مقاصد حکومت سابق [احمدخان دریایی] به عمل آمد، حکومت جدید در طهران داغ باطله خوردند و احضار شدند.»^{۴۶}

حکمرانی مجدد احمدخان دریایی

حبل‌المتین فاش می کند که دریایی در مدت هفت ماهه حکومت سعیدالسلطنه در تهران بی کار ننشست و «در تهران به آن انجمن و آن محفل، آمد و شد کرده، خود را یکی از دوستداران حقیقی وطن، از غم‌خواران واقعی ایران و از اولین مشروطه‌طلبان نمودار کرد و به هر نحو بود، باز حکومت بنادر را گرفت و بوشهر آمد.»

در این دوره‌ی جدید احمدخان در تضاد روش‌های مستبدانه و گفتارهای مشروطه‌خواهانه گرفتار شده بود، «زیرا می‌خواست از یک طرف با وجوه و اصناف ملت هم‌دردی و موافقت کند و از طرف دیگر مایل بود حسن‌ظن حکومت استبدادی [محمدعلی شاه] را نسبت به خودش جلب نماید.

و لذا... یک کهنه‌پرست مقلب را می‌دیدید که در «انجمن‌های بوشهر» رفته از مفاسد سابقه، از بدبختی‌های متراکمه و از لزوم و وجوب اصلاحات فوریه، چنان داد فصاحت و بلاغت می‌داد که خوب بود نطق‌های او در ردیف قضایید «امروالقیس» قرار دهند و بعضی اوقات هم به حدیث شریف (من بکی او تباکی) تمسک بسته هم خود، زار زار می‌گریست و هم مردمان ساده لوح بدبخت را می‌گریانید...»^{۴۷}

«علی آقا عینکی» سردبیر روزنامه مظفری که در دوره‌ی سعیدالسلطنه چند روزی بازداشت شده بود و پس از آن سکوتی معنادار کرده بود، اینک تلاش

به کثرت آراء به وکالت (علمای اعلام) منتخب شدند...^{۶۶} جماعات آخر این گزارش تصویری جذاب از شوق و دلهره‌ی مشروطه‌خواهان بوشهر نشان می‌دهد.

جشن افتتاح انجمن ولایتی

روز جمعه پانزدهم شوال ۱۳۲۵ هـ ق / ۲۹ آبان ۱۲۸۶ هـ ش خانه‌ی محدث‌الدوله ملک‌التجار را - که ساکن بمبئی است - برای انجمن محلی کرایه کردند. این خانه را که در وسط شهر بوشهر در محله‌ی شنیدی واقع بود، فرش کردند و با پرچم‌های رنگارنگ آراستند. نمایندگان ادارات دولتی، حکمران بندار، رئیس قشون، کارگزار امور خارجه، رئیس پست بندار، لشکرنویس، سرهنگ فوج فریدن و دیگر رؤسای اداره‌های دولتی از لشکری و کشوری با لباس رسمی هنگام ظهر وارد انجمن محلی شدند با حضور وکلای ششگانه‌ی طبقات و با شلیک توپ انجمن به طور رسمی افتتاح شد.

ازدحام خلق بسیار زیاد بود، حتی تمام منازل و پشت‌بام‌ها و کوچه‌های اطراف انجمن مملو از جمعیت بود. در این مراسم پرشور و نشاط میرزا عیسی قصیده‌ای، رکن‌التجار مقاله‌ای، یکی از محصلین مدرسه‌ی سعادت نیز مقاله‌ای و میرزا حسین معتقد اهرمی قصیده‌ای غزایی بالبدیهه سروده، قرائت نمود. به شکرانه‌ی رفع اختلاف فی‌مابین بزرگان و اعیان و ختم عمل انتخابات و تعیین وکلا و تشکیل انجمن محلی، موزیکان چیان به مارش ملی مترنم بودند و مردم به صرف چایی و شربت و شیرینی پرداختند و تا دو شب بعد نیز جشن و چراغانی و شادی ادامه داشت. شش نفر عضو برگزیده‌ی انجمن محلی به اتفاق حکمران روز دوشنبه دوم آذر ۱۲۸۶ به درب دکان‌ها و بازار رفته و اظهار تلاف و مهربانی کردند. مقرر شد که عجلتاً هفته‌ای سه روز ایام دوشنبه، چهارشنبه و پنج‌شنبه از چهار ساعت به غروب مانده جلسه‌ی انجمن محلی دایر و شش نفر وکیل انجمن نیز مشغول تکالیف خود باشند.^{۶۷} اگر چه ۱۵ ماه از تشکیل مجلس ملی می‌گذشت ولی در بوشهر با کنار گذاشته شدن اختلاف‌ها کم‌کم مسیر جاده مشروطه‌خواهی جنوب داشت هموار می‌شد. به همین خاطر از طرف معارف طبقات ششگانه روز جمعه ۷ ذیقعه ۱۳۲۵ هـ ق / ۲۰ آذر ۱۲۸۶ هـ ش «هیئت نظار» منتخب شدند. «انجمن نظارت در انتخابات» در محل «انجمن مقدس ملی» جهت توزیع تعرفه و رأی‌گیری برای تعیین یک نفر وکیل مستقر شدند. احمدخان دریابگی اعضای برگزیده‌ی ناظر بر انتخابات را طی اعلامیه‌ای این گونه به مردم بوشهر معرفی کرد:

حاجی محمدشفیق تاجر کازرونی، حاجی محمدحسن تاجر برازجونی، حاجی سید محمدرضا تاجر کازرونی، آقا سید عبدالرضا حکیم و جناب شریعتمدار آقا شیخ علی مجتهد.^{۸۶} پس از انتخاب شش نفر عضو انجمن محلی و شش نفر

عضو هیئت نظارت بر انتخابات زمینه برای رأی‌گیری و انتخاب نماینده‌ای برای مجلس شورای ملی فراهم شده بود.

سید مرتضی اهرمی (علم‌الهدی) که در دوره هفت ماهه حکمرانی سعیدالسلطنه بسیار مورد توجه قرار گرفته بود به هنگام حکمرانی دریابگی؛ به جای او، شیخ علی مجتهد دشتی این موقعیت مؤثر را به دست آورد. علم‌الهدی که از این وضعیت ناراضی بود در دی ماه ۱۲۸۶ هـ ش تلگرافی به مجلس ملی فرستاد و شکایت کرد که انجمن محلی، انجمن سست و بی‌حال است و به شکایات زیادی که به آن محول می‌شود رسیدگی نمی‌کند و دست آخر خواستار انجام انتخاباتی دیگر برای علماء شده و اعتراض کرده بود که «شیخ علی دشتی» فاقد صلاحیت می‌باشد.

طبق قانون هر کدام از شهرهای ولایت (تحت حکمرانی) باید نماینده یا نمایندگانی به بوشهر می‌فرستادند تا به وکیل مورد نظر برای مجلس ملی رأی دهند. با رو به راه شدن انجمن محلی و هیئت نظار در بوشهر، دریابگی طی تلگرافی دستوری؛ از حاکم بندرعباس، خواستار فرستادن ۲ نفر نماینده به بوشهر شد که مردم بندر عباس نیز با ارسال تلگرافی به مجلس ملی، به این خواسته دریابگی اعتراض کردند و مدعی شدند که چون بندر عباس جایی بسیار با اهمیت و مرکز منطقه‌ای بسیار بزرگ است لذا خود باید از یک «انجمن محلی» مستقل برخوردار باشد.^{۶۸} به هر حال این نخستین واکنش مکتوب یکی از بنادر خلیج فارس است که نسبت به چگونگی انتخاب نماینده‌ی مجلس و نداشتن انجمن محلی اعتراض کرده‌اند. به ظاهر نخستین جوانه‌های آزادی‌خواهی جنوب ایران، بعد از بوشهر در بندر عباس و بندر لنگه نمودار شده است.^{۶۹}

در بهمن‌ماه ۱۲۸۶ هـ ش دوباره آتش تنش‌ها و اختلاف‌ها شعله‌ور شد، شیخ علی دشتی نماینده‌ی علماء در انجمن محلی که از طرف علم‌الهدی مورد اعتراض واقع شده بود که «فاقد صلاحیت است»، از عضویت در انجمن محلی استعفاء داد و بیان کرد که در موقع انتخاب به او وعده‌ی دستمزد داده بودند اما اینک از پرداخت پول خبری نیست و او نیز بدون دریافت دستمزد نمی‌تواند به همکاری خود با انجمن ادامه دهد. حکمران برای حل این مشکل مبلغ ۱۰۰۰ قران به شیخ علی پرداخت و از او خواست تا استعفاش را پس بگیرد.^{۷۰} در همین اوضاع بحرانی، شیخ ناصرخان جاه‌کوتاهی نماینده‌ی ملاکان (اعیان) نیز استعفا کرد.^{۷۱} اندکی بعد، حاج عبدالرسول نماینده‌ی طبقه تجار نیز از عضویت در انجمن محلی استعفا کرد که به احتمال زیاد در نهایت با استعفا‌ی این دو نفر اخیر موافقت شد. در این حال و هوای ناآرام سید محمدرضا کازرونی نماینده‌ی اعیان نیز اطلاع داد، که نمی‌تواند مخارج جاری انجمن را به عهده گیرد. زب. کاکس تحلیل می‌کند «حس زده می‌شود که حکمران به طور

دو روز پس از به توپ بستن مجلس ملی و بیانیه‌ی اخطاریه شدیداللعن محمدعلی شاه، حکمران بوشهر اعضای انجمن محلی را احضار نمود و به آن‌ها گفت: دستورهایی دریافت کرده که انجمن را منحل کند و از آن‌ها خواست از این پس، تشکیل جلسه ندهند

انجمن ولایت

اعطای حق برپایی اجتماعات، سبب شد تا انجمن‌های مردمی - صنفی متعددی در جنوب ایران به وجود آید. اعضای این نیروی به پای خواسته تمام توانشان را در راستای تشکیل «انجمن‌های بی‌شمار» به کار می‌بردند

انجمن ولایت

که: بنادر چابهار، گوآتر و دیگر بنداری که رؤسای بلوچ، حضور مقامات گمرک را در آن جا بر نمی‌تابیدند، اوضاعشان رضایت‌بخش نیست و قصد دارد در آن نقاط دوباره اداره گمرک تأسیس کند.^{۶۷} این مسافرت نه تنها بار دیگر انتخابات را به عقب انداخت بلکه باعث شد که جلسات انجمن محلی نیز تشکیل نشود، نمایندگی سیاسی بریتانیا در خلیج فارس، اپی، ترور تحلیل می‌کند: «ظاهراً مردم با هر گونه نوآوری مخالفند.»^{۶۸}

ولی شواهد نشان می‌دهد که دریاییگی عامل اصلی این تعطیلی‌ها بوده است و نه مردم. روزنامه یادگار جنوب در مقاله‌ای این گونه مقاصد احمدخان دریاییگی و کارشکنی‌های او را در دوره مشروطیت بررسی می‌کند:

«اولاً دریاییگی... شرط عمده‌ی بقای خود را رضای خاطر انگلیسی‌ها دانسته است.

ثانیاً در بین افراد بنادر تخم نفاق پاشیده و با وخیم کردن اوضاع سیاسی دو ثمره‌ی عمده برده؛ یکی آن که به واسطه این اختلاف افکنی، انجمن ولایتی بوشهر تشکیل نشده که مبادا دزدبگیری و ناظری برای ایشان پیدا شود.

ثالثاً سالی دو - سه بار حکام جزء را عزل می‌کرد که باعث گسترش ناامنی در آن مناطق می‌شد و سپس به بهانه‌ی سرکوب شرارت؛ حساب‌سازی و خرج‌تراشی می‌کرد.

رابعاً «خیانت عمده‌ای که به بنادر و حقوق اهالی آن جا نموده که آن هم از ثمره‌ی نفاق است که پاشیده تا به امروز تعیین و فرستادن وکیل به مجلس مقدس شورای ملی به دسایس و حیل مانع شدن که مبادا اسرار او فاش و دستش از دزدی بنادر کوتاه شود و الا جهت ندارد از یک سرحد مهمی مثل بنادر فارس نه در دوره‌ی مشروطیت صغیر [مجلس اول] و نه در دوره‌ی حالیه [دوره دوم] وکیل گسیل نشده باشد.»^{۶۹}

به هر حال با ترفند مسافرت مصلحتی دریاییگی، آخرین فرصت انتخاب نماینده نیز از دست مردم بوشهر رفت و در فاصله‌ی کوتاهی که تا انحلال مجلس اول باقی مانده بود، دیگر اقدامی برای برگزاری انتخابات انجام نگرفت.

در اردیبهشت ۱۲۸۷ هـ.ش سه تن از اعضای انجمن محلی استعفا کردند، حاج سید محمدرضا کازرونی، حاج عبدالرسول (رئیس‌التجار) و شیخ ناصرخان چاه‌کوتاهی.^{۷۰} با استعفا دو نفر اول که دو رقیب همیشگی و از منتقدترین اعضای انجمن بودند موافقت شد و به منظور جلوگیری از انحلال انجمن ولایتی به جای آن‌ها حاج محمدجعفر و شیخ عبدالنبی (فخرالاسلام) به عنوان نمایندگان تجار و اعیان انتخاب شدند و از شیخ ناصرخان خواستند که فعلاً استعفاش را پس بگیرد.^{۷۱} سید سلیمان صدرالاسلام روحانی کهن سال و مشروطه‌خواه بوشهری ۹ خرداد ۱۲۸۷ هـ.ش درگذشت.^{۷۲}

محرمانه علیه انجمن دست به کار شده و هدف او انحلال انجمن است، زیرا او با رقبای انجمن ملاقات کرده و اعضای آن را به طور غیر مستقیم تشویق می‌کند تا در کار انجمن عیب‌جویی کنند.^{۷۳} شاید این تحرکات مرموزانه دریاییگی به خاطر این بوده است که می‌دید با قدرت گرفتن انجمن، رقیبی جدی برای او پیدا شده، زیرا انجمن پناه گاهی برای افراد معترض شده بود و گروهی از سربازان که حقوق نگرفته بودند در انجمن بست نشسته بودند و حتی انجمن محلی در اقدامی کم‌نظیر «از دریاییگی خواستار ارسال سیاهه‌ی دخل و خرج گردید و او هم به این دلیل که در این باره دستوری از تهران دریافت نکرده سر باز زد.»^{۷۴}

اعلان انجمن نظر

«خدمت... اهالی بوشهر و توابع از طبقات شش گانه اعلام می‌شود که به تأییدات غیبیه و مدد حضرت حجت‌الله «انجمن نظارت در انتخابات» به جهت تعیین یک نفر وکیل مجلس... در ایام معینه مفضله در ذیل این اعلان از ساعت ۳ از دسته گذشته به جهت دادن تعرفه و اخذ رأی از کسانی که دارای شرایط انتخاب معین و (مبعوث ملی) منتخب خواهد شد...»

در ادامه‌ی این اعلامیه شرایط رأی‌دهندگان و رأی‌گیرندگان بر اساس آنچه در قانون آمده درج شده است و سپس روزهای رأی‌گیری را این گونه معرفی کرده‌اند:

- اصناف، پنج‌شنبه و جمعه ۲۴ و ۲۵ محرم ۱۳۲۶ هـ.ق / ۸ و ۹ اسفند ۱۲۸۶ هـ.ش

- تجار، دوشنبه ۲۸ محرم.

- اعیان و اشراف، چهارشنبه غره صفر.

- فلاح و اشراف، پنج‌شنبه ۲ صفر.

- علماء عظام و طلاب و اهل منبر، جمعه ۳ صفر ۱۳۲۶ هـ.ق / ۱۶ اسفند ۱۲۸۶ هـ.ش.

این اعلانیه را (هیئت انجمن نظر مبعوث ملی) شامل خادم‌الشریعه شیخ علی دشتی، حاج سید محمدرضا کازرونی، حاج محمد شفیق کازرونی، سید عبدالرضا الموسوی، حاج محمدحسن برازجویی و میرزا علی کازرونی امضاء کرده‌اند.^{۷۵}

اگر چه طبق اعلان «انجمن شریف نظر» قرار بود از هشتم تا شانزدهم اسفند انتخابات برگزار شود، حکمران برای این که انتخابات برگزار نشود، دوم اسفند (۱۲۸۶) «با شناور توپدار پرسپولیس رهسپار بنادر سفالی خلیج فارس شد...» دریاییگی برای این که خروج نا به هنگام خود را توجیه کند ادعا می‌کرد

شمارش معکوس تا انحلال مجلس اول

روز نوزدهم خرداد ۱۲۸۷ محمدعلی شاه قاجار به حکمران بوشهر ابلاغ کرد: «با وجودی که پادشاه مشروطه [خواه] است و به قانون اساسی وفادار می‌باشد، از درس‌های افراد بدخواه و انقلابی، ناراضی است و دستور داده تا با کسانی که صلح و آرامش را به هم می‌زنند برخورد کند.»^{۲۸} در حالی که مخالفت‌ها با شاه قاجار در حال اوج‌گیری بود، مردم شیراز تلگرافی با لحنی تند به سید مرتضی اهرمی از روحانیون تندرو بوشهر فرستاده و پیشنهاد کردند که «چون محمدعلی شاه، پادشاهی شایسته نیست لذا برابر قانون اساسی باید شاه جدیدی انتخاب کرد.»

در پی تلگراف فوق تعدادی از تجار جزء بوشهر از سید مرتضی اهرمی درخواست کردند تا به پشتیبانی از مجلس و حزب مورد علاقه‌ی مردم، تظاهراتی را رهبری کند. پایه‌گذاران این حرکت پیشنهاد کردند که باید کوشید و مانع از کار «بانک شاهنشاهی و گمرک» گردید. این گروه مبارز بعد از بحث و تبادل نظر به سرپرستی میرزا علی کازرونی - رئیس انجمن محلی - و سید باقر، تالار اجتماعات انجمن محلی را به اشغال در آوردند و از مردم بوشهر خواستند تا مغازه‌هایشان را ببندند.^{۲۹} بازار بوشهر هم‌زمان با سایر نقاط کشور به منظور مبارزه با استبداد محمد علی شاه از روز ۲۴ خرداد تا دو روز پس از به توپ بستن مجلس ملی - در تهران - تعطیل شد. و مردم هر روز به تظاهرات می‌پرداختند، حکمران (دریابگی) از همه چیز کناره گرفت و در خانه ماند. با همه این ناآرامی‌ها دریابگی روز ۲۸ خرداد به انجمن محلی رفت و در آنجا به سخنرانی پرداخت و به تظاهر کنندگان متذکر شد که در اقدام آن‌ها برای «مجلس ملی» به هیچ وجه مفید نخواهد بود و اگر کاری می‌خواهند بکنند، بهتر است پول جمع‌آوری کرده و به مجلس بفرستند!... میرزا علی کازرونی - که به تازگی به عنوان رئیس انجمن محلی^{۳۰} منصوب شده بود - در سر تا سر این تظاهرات سردهسته بود...»^{۳۱}

انحلال مجلس اول و انجمن‌ها

روز دوم تیرماه ۱۲۸۷ هـ.ش محمدعلی شاه دستور به توپ بستن مجلس ملی و انحلال انجمن‌ها را صادر کرد. «مجلس اول پیش از پایان دو سال دوره‌ی قانونی خود به علت مخالفت محمدعلی شاه با مشروطه‌خواهان و تحریکات دولت‌های خارجی از طریق عناصر ارتجاعی، توسط کلنل لیاخوف، رئیس قزاق‌های ایران و چند افسر روسی دیگر در ۲ تیرماه ۱۲۸۷ هـ.ش/ ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هـ.ق/ ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ م به توپ بسته شد. چند تن از نمایندگان و روزنامه‌نگاران و مشروطه‌طلبان در باغ شاه زندانی شدند و پاره‌ای از آن‌ها به قتل رسیدند و عده‌ی بسیاری از نمایندگان نیز به سفارتخانه‌ها پناهنده شدند و با این کیفیت دوره‌ی اول مجلس شورا منحل و حکومت نظامی در سراسر کشور اعلام شد.»^{۳۲}

دو روز پس از به توپ بستن مجلس ملی و بیانی‌هی اخطار به شدیدالحن محمدعلی شاه^{۳۳} حکمران بوشهر در روز چهارم تیرماه ۱۲۸۷ هـ.ش اعضای انجمن محلی را احضار نمود و به آنها گفت: دستورهایی دریافت کرده که انجمن را منحل کند و از آنها خواست از این پس، تشکیل جلسه ندهند. تمام اعضا بی‌هیچ گفت و گویی، به این دستور گردن نهادند، مگر رئیس انجمن میرزا علی کازرونی که به آنها اعتراض کرد، اما همکاران او اعتراض‌هایش

را وارد ندانستند به این دلیل که «اکنون انجمن عملاً وجود ندارد.» (برچیده شده است). بازار که از روز ۲۴ خرداد وضعیتش ناپایدار بود از بعد از ظهر روز چهارم تیرماه ۱۲۸۷ هـ.ش باز شد و اوضاع شهر آرام...»^{۳۴} روی هم رفته اخبار راجع به انحلال مجلس ملی، دستگیری افراد و روحانیون برجسته در تهران و سایر رویدادهایی که در آن جا اتفاق افتاده ظاهراً بدون دلواپسی در بوشهر واصل شد.^{۳۵}

اما این اتفاقات برای آزادی خواهان بوشهر حامل خبرهایی ناخوشایند بود. سردبیر روزنامه‌ی مظفری علی آقا لیبب‌الممالک، روز نهم تیرماه بوشهر را به مقصد بمبئی ترک کرد و روز دهم حکم اعدام او آمد! همچنین دریابگی در نهم تیر تلگرافی از شاه دریافت کرد که به او دستور داده شده بود تا اعضای انجمن محلی را به شدت زیر نظر بگیرد، لذا رئیس انجمن محلی، میرزا علی کازرونی خود را در خانه زندانی کرده و آفتابی نمی‌شد.^{۳۶} فضای پراختناق روز به روز گسترده‌تر می‌شد، ورود روزنامه حبل‌المتین به داخل ایران ممنوع شد. حتی دستوری به حکمران رسید تا سید مرتضی اهرمی (علم‌الهدی) را از بوشهر اخراج کند!^{۳۷} چند تن از سران انجمن‌های مشروطه خواه بوشهر نیز در به در شدند. میرزا محمدحسین شیخ‌الحکما و میرزا محمدجواد ناظم‌الحکما دو طبیب بوشهری که از سران انجمن اتحادیه اسلامی بودند نیز به اجبار شهر را ترک کردند و در جزایر قشم، هنگام و بنادر خلیج فارس برای مدتی سرگردان شدند تا از آزار حکمران مستبد بوشهر - دریابگی - در امان مانند.^{۳۸}

نتیجه

در سال‌های ۲۵-۱۳۲۴ هـ.ق/ ۸۶-۱۲۸۵ هـ.ش چون جنبش ملی مردم ایران مراحل آغازین را طی می‌کرد، پیشرفت شاخه‌ی مجلس ملی در بوشهر همراه با شور و علاقه بود.^{۳۹} زیرا در این شهر «دسیسه [چینی] و پشت هم‌اندازی در امر انتخابات، پرخاش و منازعه در گردم‌آبی‌ها و سرانجام پخش آزادانه‌ی فحش‌نامه‌ها»، سبب شده بود که به آرامش عمومی و رفاه و رونق بندر آسیب جدی وارد آید.^{۴۰} البته با وجود این موانع در راه مشروطه در بوشهر و حتی بندر لنگه و بندر عباس «در بنادر خلیج فارس، اختلاف نظرها هرگز به طور جدی، آن‌گونه که در سایر شهرهای ایران چون کرمانشاه و کرمان همگان شاهد بودند، با خون و خونریزی همراه نبود.»^{۴۱}

نتایج مشروطه در دو سال اول مشروطه (۶-۱۳۲۵ هـ.ق) هم‌زمان با دوره‌ی اول مجلس شورای ملی می‌توان این گونه بر شمرد:

- ۱- راه‌های تجارتنی ناامنی به وجود آمد و بر منافع انگلستان تأثیر معکوس گذاشت.
- ۲- سبب رشد رفتار و نگرش ضد اجنبی انجمن‌ها و روزنامه‌های محلی شد.
- ۳- روزنامه‌ها و انجمن‌ها اقتدار مقامات رسمی دولت را تضعیف کردند.
- ۴- تحت این تغییرات رفتار مقامات رسمی دولت با انگلیسی‌ها کمتر آشتی‌جویانه بود، چون حاکم محلی نمی‌توانست برای خودش دشمن بتراشد.
- ۵- هر گونه فعالیت حاکم باعث می‌شد تا اشخاص یا یکی از اعضای انجمن‌های کوچک بلافاصله پیام کتبی به «مجلس شورای ملی» ارسال دارد. یا این که علیه حاکم در یکی از روزنامه‌های محلی مبادرت به چاپ مقاله‌ای سراسر فحش و توهین کند. در نتیجه بعد از چند روز حکمران از «مجلس» یا دولت مرکزی تلگرافی دریافت می‌کرد، که از او خواسته شده بود، تا ضمن جلب رضایت گروه‌ها، توضیحات لازم را ارائه نماید.

۶- دریابگی - حکمران بوشهر - از اوضاع شرم‌آوری که قدرتش را کاهش داده بود، به کزات ابراز خشم و عصبانیت می نمود.
 ۷- آزادی مطبوعات در نقد افراد بیشتر دیده می شد. اگر چه شب‌نامه‌ها نیز در این زمینه رونقی خاص یافتند.
 ۸- اعطای حق برپایی اجتماعات، سبب شد تا انجمن‌های مردمی - صنفی متعددی در جنوب ایران به وجود آید. اعضای این نیروی به پای خواسته که تا حدودی از تعلیم و تربیت برخوردار بودند، سخت تحت تأثیر تبلیغات «ملیون» قرارداشتند. نیروهای فوق تمام توانشان را در راستای تشکیل «انجمن‌های بی‌شمار» به کار می بردند.
 ۹- روزنامه‌های محلی با اصول اعتقادی «سرزمین ایران برای ایرانیان» با شور و حرارت زیاد روستاییان بی اطلاع از مشروطه و کسبه جز را پند و اندرز می دادند.^{۶۸}

منابع روزنامه‌ها

- انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، شماره ۴۵، یکشنبه سوم شوال ۱۳۲۵ قمری
 - بیک خجسته، ش ۱۲۱۰، ۲۲/۱۳۵۸/۱۳۵۸، محل انتشار شیراز، مدیر: مصطفی خجسته. (مقاله انقلاب مشروطیت و نقش عمدی آزادی خواهان بوشهر در استقرار رژیم - مشروطه، به قلم: علی محمد حکمت فرزند ناظم‌الحکما)
 - جبل‌المتین، سال ۲۱، ش ۳۸، ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۳۲ هـ.ق.
 - روزنامه مظفری، سال ششم، شماره ۱۹، ۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ هـ.ق - ۱۲۸۶/۴/۱۹ هـ
 - روزنامه مظفری، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ هـ.ق، دوم اسد ۱۲۸۶ شمسی
 - روزنامه مظفری، سال ششم، شماره ۴۱، ۲۱ محرم الحرام ۱۳۲۶.
 - روزنامه مظفری، سال ششم، نمره ۲۷، ۲۱ شعبان ۱۳۲۵ هـ.ق، هفتم برج میزان ۱۲۸۶ شمسی
 - مظفری، سال ۶، شماره ۳۰، ۲۱ شوال ۱۳۲۵ هـ.ق / ۴ قوس ۱۲۸۶ هـ.ش
 - مظفری، سال ششم، شماره ۲۹، نهم شوال ۱۳۲۵ هـ.ق، ۲۴ برج عقرب ۱۲۸۶ هـ.ش،
 - یادگار جنوب، سال اول، شماره ۱۱، یکشنبه ۳ صفر ربیع‌الاول ۱۳۲۹، تهران، مدیر مسئول محمدباقرخان تنگستانی

کتاب‌ها

- بشیری، احمد (به کوشش)، کتاب نارنجی، ترجمه‌ی قاسمیان، حسین، چاپ دوم، تهران، نشر نور، ۱۳۶۷، جلد اول.
 - تقوی مقدم، مصطفی، فراز و فرود مشروطه، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴
 - خلیفه زاده، علیرضا، هفت شهر لیراوی و بندر دیلم، چاپ اول، بوشهر، انتشارات شروع، ۱۳۸۲
 - زنگنه، حسن (مترجم) مشروطیت جنوب ایران، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر، ۱۳۸۶.
 - زنگنه، حسن (مترجم)، گزارش‌های سالانه سرپرستی کاکس، چاپ اول، بی نا، انتشارات پروین و مرکز مطالعات بوشهرشناسی، ۱۳۷۷
 - سدیدالسلطنه، محمد علی، سفرنامه سدیدالسلطنه، تصحیح و تحشیه: اقتداری، احمد، چاپ اول، تهران، بهنشر، ۱۳۶۲

- شجعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۳، ج ۴
 - کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش سعیدی سیرجانی، علی اکبر، چاپ ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱، ج ۳ (۱ مجلد)
 - کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجید، ۱۳۷۹
 - مافی، معصومه (به کوشش)، نامه‌های یوسف مغیث‌السلطنه، چاپ اول، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲
 - مروراید، یونس، ادوار مجالس قانون‌گذاری، چاپ اول، تهران، نشر اوحدی، ۱۳۷۷، جلد اول

پی‌نوشت

۱- کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش سعیدی سیرجانی، علی اکبر، چاپ ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱، ج ۳ (۱ مجلد)، ص ۵۱۴.
 ۲- کرمانی، پیشین.
 ۳- کرمانی، پیشین، ص ۵۱۵ و ۵۱۶
 ۴- مروراید، یونس، ادوار مجالس قانون‌گذاری، چاپ اول، تهران، نشر اوحدی، ۱۳۷۷، جلد اول، ص ۵۳
 ۵- کرمانی، پیشین، ص ۵۱۶
 ۶- بشیری، احمد (به کوشش)، کتاب نارنجی، ترجمه قاسمیان، حسین، چاپ دوم، تهران، نشر نور، ۱۳۶۷، جلد اول، ص ۱۱۶
 ۷- کرمانی، پیشین، ص ۵۱۷ - ۵۱۶.
 ۸- پیشین، ص ۵۱۷، (ماده ۱۳)
 ۹- پیشین، ص ۵۲۵.
 ۱۰- شجعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۹۲.
 ۱۱- زنگنه، حسن (مترجم)، گزارش‌های سالانه‌ی سرپرستی کاکس، چاپ اول، بی‌نا، انتشارات پروین و مرکز مطالعات بوشهر شناسی، ۱۳۷۷، ص ۳۳.
 ۱۲- روزنامه‌ی انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، شماره ۴۵، یکشنبه سوم شوال ۱۳۲۵ هـ.ق، ص ۸
 ۱۳- روزنامه‌ی مظفری، سال ۶، محرم الحرام ۱۳۲۵، ۲۴ / ۱۱/۱۲۸۵، صص ۱۳ - ۱۲.
 ۱۴- شجعی، ص ۹۶.
 ۱۵- تقوی مقدم، مصطفی، فراز و فرود مشروطه، چاپ اول، تهران، موسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴، ص ۹۷
 ۱۶- روزنامه‌ی مظفری، پیشین.
 ۱۷- زنگنه، حسن (مترجم) مشروطیت جنوب ایران، چاپ اول، تهران، موسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر، ۱۳۸۶، ص ۲۸.
 ۱۸- پیشین، ص ۲۹.
 ۱۹- روزنامه‌ی مظفری، پیشین.
 ۲۰- پیشین.
 ۲۱- زنگنه، مشروطیت جنوب ایران، ص ۳۳.
 ۲۲- پیشین، ص ۳۷. (سید سلیمان صدرالاسلام، امام جمعه آل‌عصفور و سیدمهدی موسوی بهبهانی علم‌الهدی)
 ۲۳- پیشین.
 ۲۴- مافی، معصومه (به کوشش)، نامه‌های یوسف مغیث‌السلطنه، چاپ اول، تهران،

- نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، ص ۱۴۰.
- ۲۵- خلیفه زاده، علیرضا، هفت شهر لیراوی و بندر دیلم، چاپ اول، بوشهر، انتشارات شروع، ۱۳۸۲، ص ۲۶۶
- ۲۶- مافی، پیشین.
- ۲۷- سدیدالسلطنه، محمد علی، سفرنامه سدیدالسلطنه، تصحیح و تحشیه: اقتداری، احمد، چاپ اول، تهران، بهنشر، ۱۳۶۲، ص ۶۰۹
- ۲۸- حبل المتین، سال ۲۱، شماره ۳۸، جمادی الاول ۱۳۳۲ هـ، ص ۱۳ و ۱۳.
- ۲۹- زنگنه، مشروطیت در جنوب ایران، ص ۲۵.
- ۳۰- پیشین، ص ۳۷.
- ۳۱- روزنامه مظفری، پیشین.
- ۳۲- زنگنه، مشروطیت... ص ۳۹، گزارش ۲۳ ژانویه ۱۹۰۷ م / ۲ بهمن ۱۲۸۵ هـ (ش)
- ۳۳- پیشین، صص ۳۹ و ۴۰.
- ۳۴- پیشین، ص ۴۰ (گزارش روز ۳۱ ژانویه ۱۹۰۷ / ۱۰ بهمن ۱۲۸۵)
- ۳۵- پیشین، ص ۴۳ (گزارش ۲۲ فوریه ۱۹۰۷ / ۲ اسفند ۱۲۸۵)
- ۳۶- پیشین، ص ۴۴ - ۴۶.
- ۳۷- پیشین، ص ۴۷، (گزارش سوم مارس ۱۹۰۷ / ۱۱ / ۱۲ / ۱۳ ۱۲۸۵)
- ۳۸- پیشین، ص ۴۹ (گزارش ۱۰ مارس ۱۹۰۷)
- ۳۹- پیشین.
- ۴۰- پیشین، ص ۵۱ (گزارش مارس ۱۹۰۷ / اسفند ۱۲۸۵)
- ۴۱- شجعی، ص ۹۶
- ۴۲- زنگنه، مشروطیت...، ص ۵۳.
- ۴۳- پیشین، ص ۵۵.
- ۴۴- پیشین، ص ۵۶ و ۵۹ (تلگراف ۱۶ / ۱۱ / ۱۲۸۶ / ششم آوریل ۱۹۰۷ به تهران)
- ۴۵- پیشین، ص ۵۹ (جلسه ۱۲۸۶ / ۱۲ / ۱۳ هـ / ۱۰ آوریل ۱۹۰۷ م)
- ۴۶- پیشین، ص ۶۰ و ۶۰.
- ۴۷- پیشین، ص ۶۴
- ۴۸- پیشین، ص ۶۸
- ۴۹- پیشین، ص ۶۹
- ۵۰- پیشین، ص ۷۲
- ۵۱- پیشین، ص ۷۵
- ۵۲- پیشین، ص ۷۳
- ۵۳- پیشین، ص ۷۴
- ۵۴- پیشین، ص ۷۵
- ۵۵- پیشین، ص ۷۷ - ۷۶.
- ۵۶- پیشین، صص ۷۹ - ۷۸.
- ۵۷- متن: طهران
- ۵۸- روزنامه مظفری، سال ششم، شماره ۱۹، ۲۹ جمادی الاول ۱۳۳۵ هـ - ۱۹ / ۴ / ۱۲۸۶ هـ، ص ۱۶.
- ۵۹- زنگنه، مشروطیت...، ص ۸۰
- ۶۰- پیشین، ص ۸۱ و ۸۲
- ۶۱- روزنامه مظفری، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۳۵ هـ، دوم اسد ۱۲۸۶ شمسی، ص ۱۲.
- ۶۲- روزنامه مظفری، سال ششم، نمره ۲۷، ۲۱ شعبان ۱۳۳۵ هـ، هفتم برج میزان ۱۲۸۶ شمسی، ص ۱۶.
- ۶۳- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، شماره ۴۵، یکشنبه سوم شوال ۱۳۲۵ قمری، ص ۸
- ۶۴- حبل المتین، پیشین.
- ۶۵- مظفری، سال ششم، شماره ۲۹، نهم شوال ۱۳۳۵ هـ، ۲۴ برج عقرب ۱۲۸۶ هـ، صص ۱۳ و ۱۲.
- ۶۶- مظفری، پیشین.
- ۶۷- مظفری، سال ۶، شماره ۳۰، ۲۱ شوال ۱۳۳۵ هـ / ۴ قوس ۱۲۸۶ هـ، صص ۲ - ۴.
- ۶۸- مظفری، سال ششم، شماره ۴۱، ۲۱ شهر محرم الحرام ۱۳۳۶، ص ۱.
- ۶۹- زنگنه، مشروطیت...، ص ۸۹، گزارش ۱۹ ژانویه ۱۹۰۸ م / ۲۸ / ۱۰ / ۱۲۸۶ هـ، ش.
- ۷۰- بندر عباس از دوره ی سوم دارای نماینده ی مستقل در مجلس شد.
- ۷۱- پیشین، ص ۹۱، گزارش ۲۶ ژانویه ۱۹۰۷ م / ۱۱ / ۱۲ / ۱۳ هـ (ش)
- ۷۲- پیشین.
- ۷۳- پیشین، ص ۹۳ (گزارش دوم فوریه ۱۹۰۷ م / ۱۲ / ۱۱ / ۱۲ هـ ش)
- ۷۴- پیشین، ص ۹۹، ۲۳ فوریه ۱۹۰۸ م / ۳ اسفند ۱۲۸۶ هـ / ۲۰ محرم ۱۳۳۶ هـ (ش)
- ۷۵- روزنامه مظفری، سال ششم، شماره ۴۱، ۲۱ محرم الحرام ۱۳۳۶، صص ۹ - ۸.
- ۷۶- زنگنه، مشروطیت...، ص ۹۹.
- ۷۷- پیشین.
- ۷۸- یادگار جنوب، سال اول، شماره ۱۱، یکشنبه ۳ صفر ربیع الاول ۱۳۳۹، ص ۴، مدیر مسئول محمدباقرخان تنگستانی.
- ۷۹- زنگنه، مشروطیت، ص ۱۱۳، (گزارش ۱۰ مه ۱۹۰۸ م / ۲۰ / ۲ / ۱۲۸۷ هـ ش)
- ۸۰- پیشین، ص ۱۱۵ (گزارش ۱۷ مه ۱۹۰۸ م / ۲۷ / ۲ / ۱۲۸۷ هـ ش)
- ۸۱- پیشین، ص ۱۱۸، (گزارش ۳۰ مه ۱۹۰۸ م / ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۳۶ هـ ش)
- ۸۲- پیشین، ص ۱۱۹.
- ۸۳- پیشین، (گزارش ۱۴ ژوئن ۱۹۰۸ / ۲۲ خرداد ۱۲۸۷)
- ۸۴- متن ترجمه: انجمن ملی.
- ۸۵- پیشین، ص ۱۲۰.
- ۸۶- شجعی، پیشین.
- ۸۷- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجید، ۱۳۳۹، ص ۶۱۷
- ۸۸- زنگنه، مشروطیت...، صص ۱۲۲ و ۱۲۱.
- ۸۹- پیشین، ص ۱۲۲.
- ۹۰- پیشین.
- ۹۱- پیشین، ص ۱۲۳ (گزارش، ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۸ / ۲۲ تیر ۱۲۸۷)
- ۹۲- مقاله انقلاب مشروطیت و نقش عمده ی آزادی خواهان بوشهر در استقرار رژیم مشروطه، به قلم: علیمحمد حکمت فرزند ناظم الحکما، پیک خجسته، ش ۱۲۱۰، ۱۳۵۸/۶/۲۲، ص ۶
- ۹۳- زنگنه، گزارش های سالانه کاکس، ص ۴۶.
- ۹۴- زنگنه، پیشین، ص ۴۷.
- ۹۵- پیشین
- ۹۶- زنگنه، گزارش های سالانه کاکس، صص ۸ - ۴۷.